جستارهای زبانی
دوماهنامهٔ علمی- پژوهشی
د۹، ش٦ (پیاپی ٤٨)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص۱-۲۳

مراحل ساخت معنا در خطبهٔ ۸۷ نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریهٔ آمیختگی مفهومی

علی اکبر لبش[۱]، آرزو نجفیان[۲*]، بلقیس روشن[۳]، سید علی اصغر سلطانی[۴]

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۴. دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

دریافت: ۹۷/۵/۲۲ پذیرش: ۹۷/۸/۱٤

چکیده

نهج‌البلاغه از شاخص‌ترین کتب اسلامی است که متن آن دارای ویژگی‌های زبانی و بلاغی منحصربه‌فردی است که مفاهیمی عمیق را در خود جای داده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی استعاره و تبیین ویژگی و کارکردهای آن در متن ***نهج‌البلاغه***، در چارچوب نظریهٔ آمیختگی مفهومی (Fauconnier & Turner, 2002)، یکی از نظریه‌های متأخر معنی‌شناسی شناختی است. روش پژوهش حاضر به شکل تحلیل محتواست. در این پژوهش با بررسی خطبهٔ ۸۷ (معرفی الگوی انسان کامل) ـ که از شاخص‌ترین خطبه‌های ***نهج‌البلاغه*** است و از طریق تحلیل ساختار معنی و سازوکار شناختی درک معنی، مراحل ساخت معنی به تصویر کشیده شده و تلاش شده است تا مشخص شود کدام یک از انواع آمیختگی ساخت معنا در این خطبه وجود دارد و شبکهٔ آمیختگی‌های مفهومی در آن حاصل طی شدن چه مراحلی از مراحل شکل‌گیری معناست. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فرازهای این خطبه از تمام انواع آمیختگی مفهومی استفاده شده است و با استفاده از سه مرحلهٔ ترکیب، تکمیل‌سازی و گسترش می‌توان به معنایی نوظهور دست یافت که هدف کلی آن به‌دست دادن مقیاسی بشری است تا از این طریق مفاهیم ربوبی برای انسان قابل درک شوند. در نمونه‌های ارائه‌شده، استفاده از توانایی خلاق بشری برای بیان مفاهیم انتزاعی از طریق مفاهیم عینی در فضاهای مختلف کاملاً مشهود است.

واژه‌های کلیدی: معناشناسی شناختی، آمیختگی مفهومی، فضاهای ذهنی، خطبهٔ ۸۷ ***نهج‌البلاغه***.

---

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: a.najafian@pnu.ac.ir

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

۱. مقدمه

دیرزمانی است که پژوهش‌های زبان‌شناختی به بررسی پیکره‌های گوناگون ازجمله متون دینی، به‌ویژه واکاوی متون ***قرآنی*** پرداخته‌اند. در بازنگری کتب اسلامی ـ که بارزترین آن‌ها پس از ***قرآن*** کریم، ***نهج‌البلاغه*** است ـ در پرتو علوم جدید ازجمله معنی‌شناسی شناختی، شاید بتوان به خوانش جدیدی از مفاهیم عمیق دست یافت. حوزهٔ مذهب به‌دلیل ماهیت تجربه‌ناپذیر و انتزاعی‌اش، یکی از حوزه‌هایی است که ضرورت درک استعاری در آن بیشتر حس می‌شود. برای مطالعهٔ متن دینی ارزشمندی مانند ***نهج‌البلاغه***، درک استعارهٔ مفهومی[۱] می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد؛ اما بی‌تردید، فهم استعاره نمی‌تواند همهٔ جوانب متن را آشکار سازد. در برخی فرازها، شناخت و تحلیل استعاره‌های مفهومی، هر قدر هم که کمک‌کننده باشد، نمی‌تواند از حد معلومی فراتر رود و بسنده کردن به استعاره‌های مفهومی سبب پوشیده ماندن بخش عمده‌ای از پیام می‌شود. فرایند ساخت معنا، نگاشت[۲] ساده بین صورت و معنا نیست و به‌کارگیری نظام‌مند صورت‌ها توانایی تبیین دقیق عملکردهای شناختی را ندارد. برخی از معناشناسان شناختی که همواره به‌دنبال راهی برای تبیین و توصیف چرایی و چگونگی فرایندهای معناساز در ذهن و زبان بودند، به‌تدریج نظریه‌ای به نام آمیختگی مفهومی[۳] را مطرح کردند؛ توانایی آمیختن دو مجموعهٔ مفهومی متفاوت برای تولید یک معنی نوظهور[۴]. نظریهٔ آمیختگی مفهومی در ساخت معنا در زندگی روزمره، هنر، علم، پیشرفت‌های فنی، و در تفکر مذهبی نقش مهمی دارد. مطابق نظر فوکونیه و ترنر[۵] (2002) لُب کلام نظریهٔ آمیختگی مفهومی را می‌توان به این صورت بیان کرد: الف) ویژگی منحصربه‌فرد انسان‌ها، ظرفیت خلق معانی جدید از معانی موجود است. ب) روش اصلی به‌کارگیری این ظرفیت، اجرای آمیختگی دوساحتی[۶] است؛ یعنی ساخت یک فضای ذهنی آمیخته بر مبنای تعدادی فضای درون‌داد[۷] (Glebkin, 2013).

نظریهٔ معناشناسی شناختی آمیختگی مفهومی، در تلاش بوده است که ابزاری ملموس و عینی، برای تبیین پیچیدگی‌های ذهنی شکل‌گیری لایه‌های معنایی در اختیار ما قرار دهد. با توجه به اهمیت درک ملموس متون دینی و با توجه به اینکه ***نهج‌البلاغه*** پس از ***قرآن*** کتاب دوم مسلمانان به‌ویژه شیعیان محسوب می شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر یکی از خطبه‌های مهم این کتاب برای نمونه، در صدد ارائهٔ تصویری عینی، نموداری و مبتنی بر نظریه از مراحل شکل‌گیری معنا

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

در این منبع است که سرشار از گفته‌هایی حکیمانه و همانند چراغی هدایتگر مسلمان شیعه و پیروان امیرالمونین است.

برای نیل به این هدف، در این پژوهش به دو پرسش مبتنی بر نظریهٔ زیر پاسخ داده می شود : ۱) کدام یک از انواع آمیختگی ساخت معنا در این خطبه دیده می‌شود؟ ۲) شبکهٔ آمیختگی‌های مفهومی فرازهای این خطبه از ***نهج‌البلاغه*** حاصل طی شدن چه مراحلی از مراحل شکل‌گیری معناست؟

گفتنی است که بررسی پیشینهٔ پژوهش‌های انجام‌شده در حوزهٔ نظریهٔ آمیختگی مفهومی نشان داد که در قالب این نظریه، پژوهشی در حوزهٔ متون دینی و به‌ویژه ***نهج‌البلاغه*** انجام نشده است،

این پژوهش از نوع توصیفی و روش آن تحلیل محتوای موردی است. خطبهٔ ۸۷ (معرفی الگوی انسان کامل) – که از شاخص‌ترین خطبه‌های ***نهج‌البلاغه*** است ـ به‌عنوان یک مورد خاص تحلیل شده است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در حوزهٔ صنایع ادبی و بلاغی ***نهج‌البلاغه*** و جایگاه ادبی این اثر ارزشمند چه با رویکرد کلاسیک و چه بر اساس مبانی زبان‌شناسی نوین انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها به‌طور خاص بر محور معناشناسی و جایگاه استعاره در ***نهج‌البلاغه*** متمرکز است که در ادامه به اختصار به ذکر برخی از آن‌ها پرداخته می شود؛ اما هیچ یک از آن‌ها در قالب نظری پژوهش حاضر به انجام نرسیده است.

از میان آثاری خارجی که در این چارچوب به بررسی برخی متون پرداخته‌اند، می‌توان از مقالهٔ پریرا و کاردوسو[۸] (2002) با عنوان «آمیختگی مفهومی و جست‌وجوی پردازش خلاق مقدس» نام برد. آن‌ها در این مقاله به بررسی مباحث مربوط به آمیختگی مفهومی می‌پردازند و جالب اینجاست که عنوان این مقاله، نمونه‌ای از آمیختگی مفهومی است. در اینجا پردازش خلاق با جام مقدس نگاشت دارد؛ یعنی دو درون‌داد پردازش خلاق و جام مقدس، یک فضای آمیخته با عنوان پردازش خلاق مقدس ایجاد کرده‌اند. همان‌طور که شوالیه‌های میزگرد در زمان آرتورشاه

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

در جست‌وجوی جام مقدس بوده‌اند، در اینجا هم پژوهشگران در جست‌وجوی پردازش خلاق هستند. ون هیردن[۹] (2008) به مطالعهٔ فرایندهای شناختی لازم برای بینامتن در چارچوب آمیختگی مفهومی می‌پردازد. گلبکین (2013) با اشاره به نظریهٔ آمیختگی مفهومی، انتقاداتی را در مورد اصول و فرضیات آن مطرح می‌کند.

از میان آثار داخلی می‌توان به کتاب ***تحلیل ارکان استعاره‌های پیچیدهٔ نهج‌البلاغه*** (ادیبی مهر، ۱۳۸٦) اشاره کرد که پژوهشی در استعارهای ***نهج‌البلاغه*** و نقل شواهد و تبیین جنبه‌های آن است. شیخ احمدی (۱۳۸۸) به بررسی و تحلیل ساختار استعاری حکمت‌های ***نهج‌البلاغه*** از دیدگاه زبان‌شناسی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که استعاره در حکمت‌های ***نهج‌البلاغه*** تفننی و برای تصنع ظاهری نیست؛ بلکه راهی است برای رسیدن به اهداف معین و عمدتاً مضامین این استعاره‌ها جنبهٔ اخلاقی و عرفانی دارند. قائمی و همکاران (۱۳۹۰) نیز به بررسی استعاره‌هایی با محوریت دنیا بر پایهٔ دیدگاه‌های سنتی پرداخته‌اند. آن‌ها اعتقاد دارند که به‌کارگیری عناصر طبیعت، حیات، پویایی، صوت، زمان، مکان و استفاده از تجارب شخصی در به تصویر کشیدن این موضوع در ***نهج‌البلاغه***، نشان از معرفی دقیق چهرهٔ دنیا و شناخت آن دارد. برکت و همکاران (۱۳۹۱) پس از معرفی رویکرد نظری آمیختگی مفهومی، به تبیین چگونگی فرایند معناسازی و شخصیت‌پردازی در دو قصهٔ عامیانهٔ ایرانی پرداخته‌اند. هدف تحقیق آن‌ها تبیین فرایند تخیل و فرایندهای معناسازی در قصه‌های عامیانه بوده است. آن‌ها معتقدند که کاربست این نظریه بر قصه‌های عامیانه به درک ژرف‌تر این قصه‌ها کمک می‌کند. برکت و اردبیلی (۱۳۹۱) ابتدا، به معرفی نظریهٔ آمیختگی پرداخته‌اند و در ادامه نقدهایی را که دربارهٔ این نظریه مطرح شده است، بررسی کرده‌اند. صادقی (۱۳۹۱) برای نشان دادن چگونگی شکل‌گیری رابطهٔ میان تصویر و نوشتار، از نظریهٔ آمیختگی مفهومی استفاده می‌کند. وی بر اساس چهار فضای دخیل در تولید معنا و چهار نوع ادغام مختلفی که انواع روابط تصویر و نوشتار را نشان می‌دهند، به بررسی چگونگی شکل‌گیری و خوانش آثار ادبی دیداری ـ که از تلفیق تصویر و نوشتار ایجاد می‌شوند ـ می‌پردازد. او به مطالعهٔ ارتباطی تازه میان تصویر و نوشتار می‌پردازد که بر اساس آن، تصویر سبب تغییر معنای استعاری نوشتار می‌شود. نورمحمدی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی استعاره-های ***نهج‌البلاغه*** از بُعد زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها که حاصل استخراج

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

برخی از استعاره‌های ***نهج‌البلاغه***، بر اساس نظریهٔ معاصر استعاره و تحلیل آن در چارچوب این نظریه است، ضمن تأیید اصول نظریهٔ شناختی استعاره، فراوانی بسیار استعاره‌ها و ضرورت شناختی آن‌ها را در ***نهج‌البلاغه*** نشان می‌دهد. یکی از آثاری که در چارچوب زبان‌شناسی شناختی به تحلیل استعاره‌های جهتی ***نهج‌البلاغه*** پرداخته است، مقالهٔ ایمانیان و نادری (۱۳۹۲) است. آن‌ها معتقدند که این نوع نگاه به استعاره‌های ***نهج‌البلاغه***، ما را در جهت شناخت بهتر هدف گوینده و ایدهٔ فکری او، نوع مخاطب، موقعیت ایراد سخن و سازگاری یا ناسازگاری موسیقیایی عبارت استعاری با مدلول آن و... یاری می‌رساند. روشن و اردبیلی (۱۳۹۲) در بخشی از کتاب ***مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*** به معرفی نظریهٔ آمیختگی مفهومی می‌پردازند. سپس در مورد انواع آمیختگی مفهومی، روابط حیاتی و اصول بهینگی توضیحاتی همراه با مثال ارائه می‌دهند. اردبیلی و همکاران (۱۳۹٤) تلاش کرده‌اند تا با توجه به مبانی این نظریه، پیوستگی معنایی، یکی از مهم‌ترین عوامل ساخت معنا را در قصه‌ای از قصه‌های عامیانه ایرانی، یعنی «قصهٔ سگ سفید» بررسی کنند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که رویکرد نظری آمیختگی مفهومی روشی معتبر برای آشکار کردن لایه‌های تودرتو و پیچیدهٔ قصه‌ها و داستان‌هاست.

۳. مبانی نظری

۳-۱. از استعاره تا آمیختگی مفهومی

بیش از دو هزار سال استعاره به‌مثابهٔ ابزاری بلاغی در خدمت زبان مجازی و ادبی بوده است تا گستردگی و تنوع زیبایی‌های زبان را بیشتر کند و گاه جذابیت بیشتری به آن ببخشد. با رد رویکردهای سنتی به معناپژوهی، در نیمهٔ دوم قرن بیستم، برخی از زبان‌شناسان شناختی با جمع‌آوری نمونه‌های بسیار زیادی از کاربرد استعاره در زبان روزمره، نظام عظیمی از استعاره-های روزمره و متعارف را کشف کردند که تمایز سنتی بین مجاز و زبان حقیقی را از بین برد. این مطالعات سبب انتشار کتاب ***استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم***[۱۰] و طرح نظریهٔ معاصر استعاره از سوی لیکاف[۱۱] و جانسون[۱۲] (1980) شد که استعاره را برای همیشه از حصار ادبیات بیرون کشید و نشان داد که استعاره تنها یک صنعت ادبی نیست؛ بلکه فعالیتی کاملاً بدنمند[۱۳] است که با تفکر و تصور ایجاد می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

در این نظریه، استعاره از سازوکارهای اصلی فرایند تفکر است که در درک مفاهیم انتزاعی و استدلال، نقش مهم و بی‌بدیلی دارد و در واقع به‌عنوان نوعی نگاشت نامتقارن[۱۴] و بخشی[۱۵] میان حوزه‌های مفهومی[۱۶] تعریف می‌شود و زبان استعاری، تجلی روساختی استعاره‌های مفهومی است. به عبارت دیگر، استعاره نگاشت‌های کلی بین حوزه‌های مفهومی است (Lakoff, 1993: 44).

نقص‌هایی نیز در این نظریه وجود دارد که ازجمله می‌توان به این موضوع اشاره کرد که فرض جهتمندی از مبدأ به هدف، مسئله‌ساز است چون درک استعاره شامل مواردی بیش از نگاشت‌های جهت‌دار می‌شود. بیشتر یک ترکیب پویا و آمیختن اطلاعات از مفاهیم هدف و مبدأ وجود دارد. برای مثال، وقتی کسی می‌گوید: «این مسئله هنوز برای من روشن نیست»، قلمروهای نظریهٔ استعاره، «بینایی (مبدأ)» و «دانش (هدف)» هستند. نگاشتی که رخ می‌دهد بر پایهٔ دانش کلی فرد از ارتباط‌های بین این دو قلمرو قرار دارد. «روشن نبودن» سبب می‌شود فرد روشن نبودن را با عنوان عدم آگاهی و فقدان دانش، تصور کند. نظریهٔ آمیختگی مفهومی با سازوکارهای ویژهٔ خود قادر به پاسخ‌گویی به این مسئله است. در نظریهٔ آمیختگی تمرکز بر خود قلمروها نیست؛ بلکه بر فضاهای ذهنی موقتی[۱۷] است که ایجاد می‌کنند (Grady et al.,1999). البته یکی از راه-های تحلیل استعاره‌ها بررسی آمیختگی مفهومی آن‌هاست. توجه به آمیختگی مفهومی استعاره‌ها از دو نظر سودمند است: اولاً توجه به آمیختگی مفهومی در موارد بسیاری معنای جدیدی را برای استعاره آشکار می‌سازد؛ ثانیاً وجود مقیاس بشری را در استعاره‌ها بیشتر روشن می‌سازد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۰۵). در ادامهٔ مقاله به تفصیل در این باره بحث خواهد شد.

۳ - ۲. نظریهٔ آمیختگی مفهومی

نظریهٔ آمیختگی مفهومی بر پایهٔ مطالعات نظریهٔ استعارهٔ مفهومی لیکاف و جانسون (1980) و نظریهٔ فضاهای ذهنی فوکونیه (1985-1994) از سوی فوکونیه و ترنر (1998, 1997, 2002) مطرح شد که بر مبنای آن صورت‌ها بر اساس الگوهای منظمی صورت‌بندی می‌شوند که به توانایی خلاق انسان برای بیان مفاهیم انتزاعی از طریق مفاهیم عینی در قلمروهای مختلف اشاره دارند و آنچه این قلمروها را به یکدیگر مرتبط می‌کند، یک ساختار طرح‌واره‌ای[۱۸] مشترک است. آمیختگی مفهومی شامل مجموعه‌ای از عملکردهای شناختی است که در ذهن انسان صورت می‌گیرد و سبب تلفیق فضاهای مختلف با یکدیگر می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

بر اساس این نظریه، ساخت معنا از دو مرحلهٔ «ساخت فضاهای ذهنی» و «نگاشت فضاهای ذهنی ایجادشده» تشکیل شده است (Turner & Fauconnier, 1998: 11).

بر اساس نظر فوکونیه و ترنر(1998)، این آمیختگی‌ها به‌صورت الگوهای مجزا صورت نمی-گیرند؛ بلکه به‌صورت شبکه‌ای از آمیختگی‌های مفهومی عمل می‌کنند. چهار فضا در شکل‌گیری معنا دخیل هستند که عبارت‌اند از: ۱) فضای درون‌داد ۱[۱۹] که فضای مفهومی قلمرو مبدأ به‌شمار می‌رود، ۲) فضای درون‌داد ۲[۲۰] که همان فضای مفهومی قلمرو مقصد است. نگاشت فضای درون‌داد ۱ و فضای درون‌داد ۲ (نگاشت ویژگی‌های فضای یک درون‌داد بر دیگری) به‌مثابهٔ نگاشت بین فضایی است، ۳) فضای عام[۲۱] که شامل ساختاری انتزاعی و طرح‌واره‌ای است و میان همهٔ فضاهای موجود در شبکه مشترک است؛ حتی فضای آمیخته که از میان ساختارهای موجود در فضای درون‌داد دست به انتخاب می‌زند، از بخشی از ویژگی ساختاری در فضای عام استفاده می‌کند و ٤) فضای آمیخته[۲۲] که به‌واسطهٔ فرافکنی دو فضای درون‌داد بر فضای سوم شکل می-گیرد. فضای آمیخته با نگاشت بخشی از ساختارها با انگاره‌های شناختی موجود در شبکهٔ مفهومی و فرافکنی آن ساختار از فضای درون‌داد به فضای سوم شکل می‌گیرد و معنایی نوظهور را موجب می‌شود که با قوهٔ استدلال و استنباط انسان مرتبط است.

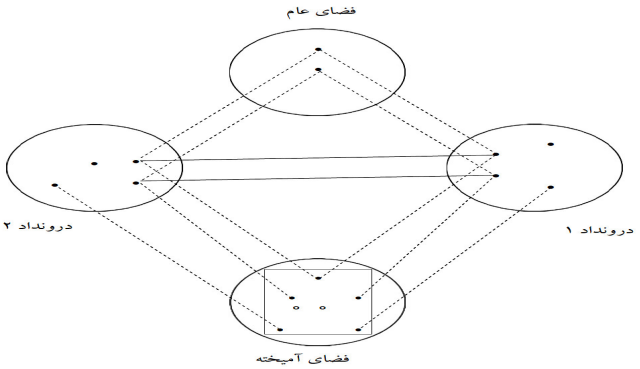

نمودار ۱: شبکهٔ آمیختگی مفهومی (Turner, 2007:379)

Figure1: conceptual integration network

بر اساس این نظریه، بخشی از یک ساختار بر بخشی از ساختار دیگر و همچنین بخشی از یک

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

نقش بر بخشی از نقش دیگر نگاشت می‌شود تا دلالت ضمنی شباهت میان دو امر ایجاد شود (Joy et al., 2009: 45). در واقع، مفاهیم نگاشت‌شده از یک فضا به فضای دیگر بر فضای آمیخته فرافکنی می‌شود و در آن فضا ترکیبی صورت می‌گیرد که مفاهیم جدیدی در درک و تفسیر خواننده به‌وجود می‌آورد.

اساس آمیختگی مفهومی بر توانایی شبکه‌های آمیختگی در فشرده‌سازی[۲۳] ساختار مفهومی پراکنده به‌صورت موقعیت‌های قابل درک و در مقیاس بشری در فضای آمیخته است. فشردگی بر اساس مجموعه‌ای از روابط حیاتی شامل علت و معلول[۲۴]، شباهت[۲۵] و عدم شباهت[۲۶]، زمان، مکان، تغییر، هویت، جزء ـ کل و بازنمایی عمل می‌کند که می‌توانند در یک نسخهٔ مقیاس بشری از خودشان یا در روابط حیاتی مختلف فشرده‌سازی شوند (Pan, 2012).

فوکونیه و ترن (2002) برای تبیین این مسئله مثال راهب بودایی را طرح می‌کنند:

راهب بودایی در سپیده‌دمی شروع به بالا رفتن از کوه می‌کند، هنگام غروب به قله می‌رسد. پس از یک شب مراقبه، هنگام سپیده دم شروع به بازگشت می‌کند و هنگام غروب به پایین کوه می‌رسد.

بدون هیچ فرضی در مورد آغاز یا توقف او یا در مورد سرعت حرکتش این معما مطرح می‌شود: آیا در مسیر نقطه‌ای وجود دارد که راهب در یک ساعت از روز در دو سفر جداگانه (بالا رفتن و پایین آمدن) در آن نقطه بوده باشد؟

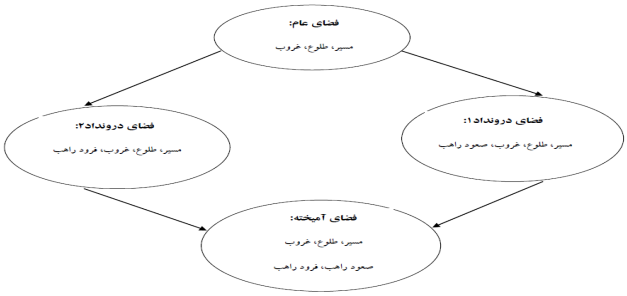

نمودار ۲: راهب بودایی (Fauconnier & Turner, 2002: 39)

Figure2: Buddhist monk (Fauconnier & Turner, 2002: 39)

برای حل این معما، می‌توانیم صعود راهب را با فرودش آمیخته کنیم. تصور صعود و فرود را

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

روی هم می‌اندازیم. از فضای ذهنی صعود و فضای ذهنی فرود، ساختار را به‌صورت گزینشی به یک فضای سوم نگاشت می‌کنیم، یعنی فضای ذهنی آمیخته. در اینجا، دو فضای ورودی وجود دارد (روز بالا رفتن و روز پایین آمدن)، فضای آمیخته و فضای عام، شامل آنچه بین درون‌دادها مشترک است: فرد در حال حرکت و موقعیت او، مسیری که پای کوه و قله را به‌هم متصل می‌کند، روز سفر و حرکت در جهت نامعین (Fauconnier & Turner, 2002: 39).

فضای آمیخته دارای ساختاری نوظهور است که از سوی درون‌دادها فراهم نمی‌شود و به سه طریق مرتبط به‌هم رخ می‌دهد: ترکیب[۲۷]، تکمیل[۲۸] و گسترش[۲۹] (Fauconnier,1997: 149). ترکیب شامل ترکیب عناصر از درون‌دادهای مجزاست. تکمیل شامل برانگیختگی طرح‌واره‌هاست. ساختار درون آمیخته را می‌توان گسترش داد. این فرایند فرایندی فعال است که ساختار منحصر-به‌فردی را برای فضای آمیخته ایجاد می‌کند.

فوکونیه و ترنر (2002) چهار نوع آمیختگی را برای ساخت معنا برمی‌شمرند؛ آمیختگی به-صورت شبکهٔ ساده[۳۰]، آینه‌ای[۳۱]، تک‌ساحتی[۳۲] و دوساحتی[۳۳].

۳ – ۲ – ۱. شبکهٔ ساده

ساده‌ترین نوع شبکهٔ آمیختگی شامل دو درون‌داد است. در این نوع آمیختگی، فرهنگ انسانی و تاریخ بیولوژیکی قالب مؤثری را مهیا کرده است که برای انواع خاصی از عناصر ارزش محسوب می‌شود. یکی از قالب‌های آماده و در دسترس بشر، خانواده است که در آن نقش‌هایی چون پدر، مادر، خواهر و برادر مشخص است. برای نمونه فرض کنید یک شبکهٔ آمیختهٔ فضایی دارد که فقط شامل همین قالب است و فضای دیگری تنها شامل دو انسان باشد با نام: پل و سالی. وقتی که ما پل را به‌عنوان پدر سالی می‌پذیریم آمیخته‌ای را خلق می‌کنیم که در آن بخشی از ساختار قالب خانواده با عناصر پل و سالی آمیخته شده است. در این فضای آمیخته پل پدر سالی است. عناصر از یک فضای درون‌داد به‌مثابهٔ «ارزش» بر فضای درون‌داد دیگر (قالب)، به‌مثابهٔ «نقش» نگاشت می‌شوند. در این نوع رابطه، در فرافکنی «ارزش» بر فضای آمیخته، نقش‌های یک درون‌داد با ارزش درون‌داد دیگر آمیخته و مفهوم ترکیبی از ارزش ـ نقش ایجاد می‌شود؛ مفهومی که از ویژگی‌های هر دو فضا شکل گرفته است (Fauconnier & Turner, 2002: 120).

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

۳ – ۲ – ۲. شبکهٔ آینه‌ای

شبکه‌های آینه‌ای در مقایسه با شبکه‌های ساده، کمی پیچیده‌تر هستند. شبکهٔ آینه‌ای قالبی است که همهٔ فضاهای ذهنی را به یکدیگر متصل می‌کند و ماهیت کنش‌ها، رویدادها و مشارکان را به منظور ایجاد شباهت به یکدیگر می‌پیوندد (Joy et al., 2009: 45).

برای مثال جملهٔ «هنوز عابدزاده نتوانسته رکوردی را که حجازی کسب کرده است بشکند» مربوط به دو دروازه‌بان تیم ملی است که در دوره‌های مختلف بازی می‌کرده‌اند. در این مثال ، قالب دروازه‌بانی در یک تیم فوتبال همهٔ فضاها را سازمان می‌دهد و در همهٔ آن‌ها مشترک است (روشن و اردبیلی، ۲۰۷:۱۳۹۲).

۳ – ۲ – ۳. شبکهٔ تک‌ساحتی

شبکهٔ تک‌ساحتی زمانی رخ می‌دهد که دو فضای درون‌داد دارای دو قالب کاملاً مختلف هستند و فقط یکی از قالب‌ها برای شکل‌دهی به فضای آمیختگی فرافکنی می‌شود (Fauconnier & Turner, 2002: 126).

روشن و اردبیلی (۲۰۸:۱۳۹۲) جملهٔ «آزمایش پشت ارج را به خاک زد» را به‌عنوان مثالی از این نوع شبکه ارائه می‌کنند. در این جمله یک شبکهٔ تلفیقی ایجاد شده است که در آن دو درون‌داد وجود دارد. آنچه این نوع شبکه را مشخص می‌کند این است که تنها از یکی از قالب‌ها (در اینجا، قالب کشتی‌گیری نه قالب تجارت) برای مرتب کردن و ایجاد فضای آمیخته استفاده می‌شود.

۳ – ۲ – ۴. شبکهٔ دوساحتی

شبکهٔ دو ساحتی، پیچیده‌ترین شبکه در میان چهار شبکه است. در این نوع آمیختگی مانند آمیختگی تک‌ساحتی، دو مفهوم متقابل به‌صورتی که امکان تصادم میان آن‌ها وجود دارد، با هم ترکیب می‌شوند تا سبب ایجاد یک ساختار قالب‌ساز جدید و ساختار معنایی تازه شوند (Fauconnier & Turner, 2002: 131).

ایوانز و گرین (2006: 429) عبارت «شما دارید گور خودتان را می‌کنید» را به‌عنوان نمونه‌ای از این نوع شبکه ارائه می‌دهند. این عبارت اصطلاحی به موقعیتی اشاره می‌کند که در آن فرد کار احمقانه‌ای انجام می‌دهد که به مشکلی ناخواسته منجر می‌شود. برای مثال تاجری که در فکر

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

گرفتن وام برای گسترش کسب و کار خود است، ممکن است حسابدارش با این عبارت به او اخطار بدهد که این ریسک کاری، ورشکسته‌اش می‌کند.

۴. بحث

با توجه به گستردگی و عمق مفاهیم ***نهج‌البلاغه***، در این پژوهش قصد داریم تنها به تحلیل یکی از خطبه‌های مشهور ***نهج‌البلاغه***؛ خطبهٔ ۸۷، بپردازیم و وجود یا عدم شبکه‌های مختلف آمیختگی مفهومی در این خطبه را بررسی کنیم و قدرت توضیحی نظریهٔ آمیختگی مفهومی در فرایند درک فرازهای مختلف خطبهٔ ۸۷ و مراحل شکل‌گیری معنا را در این فرازها محک بزنیم.

این خطبه دارای پنج بخش است که چهار بخش آن کاملاً به‌هم پیوسته است؛ ولی بخش پنجم به ظاهر با بخش‌های پیشین ارتباطی ندارد تا آنجا که به اعتقاد آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۹۰ : ۵۳۹/۳-۵۵۰) احتمالاً مرحوم سیّد رضی قسمت‌هایی از اواخر خطبه را بنا به دلایلی حذف کرده است. اگرچه بنا به استدلال نگارندگان این مقاله بخش‌های اول تا چهارم مقدمه‌چینی است، برای رسیدن به نتیجهٔ نهایی در بخش پنجم،در حقیقت دقت در متن خطبه و گفتار امام علی(ع) نشان می‌دهد که امام، نخست توصیفی سراسر استعاری از بهترین بندگان خدا به‌عنوان راهبرانی عالم و قابل‌اعتماد و عالم‌نمایانی جاهل که می‌توانند راهبرانی گمراه‌کننده باشند، ارائه می‌دهد و آن‌ها را از هم تفکیک می‌کند و سپس با معرفی اهل بیت پیامبر به‌عنوان زمامداران حق و یقین از مردم می‌خواهد که به آنان تمسک بجویند و از نااهلان پرهیز کنند. در نهایت، با اشاره به پندارهای ناصحیح برخی مردم که دنباله‌رو نااهلان بنی‌امیه شدند، قاطعانه خبر از زوال و سقوط حکومت کوتاه آن‌ها می‌دهد.

در بخش‌های زیادی از این خطبه می‌توان به ساختارهایی رسید که در آن‌ها از طریق آمیختگی مفهومی به معناسازی پرداخته شده است. برای نمونه اندک مواردی در این بخش مطرح می‌کنیم.

در بخش ابتدایی این خطبه در مورد صفات متقین آمده است که «فَاسْتَشْعَرَ الْحُزْنَ وَ تَجَلْبَبَ الْخَوْفَ» به این معنی که «پس اندوه را جامهٔ زیرین خود سازد و خوف را پوشش رویین».

«اِسْتَشْعَرَ» از مادّه «شِعار» به معنای «لباس زیرین» است و قرار دادن حزن و اندوه، به‌منزلهٔ لباس زیرین، به این معناست که این‌گونه افراد باایمان در درون خویش، از ایام گذشتهٔ عمر ـ که

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

تلاش و کوشش کافی در اطاعت معبود نکرده‌اند ـ اندوهگین‌اند؛ اندوهی سازنده که آن‌ها را به حرکتی جبران کننده در آینده وا می‌دارد. «تَجَلْبَبَ» از مادهٔ «جِلباب» به معنای «چادر» یا «لباس رویین» است و قرار دادن خوف و ترس به‌منزلهٔ لباس رویین، اشاره به این است که این افراد مخلص و مؤمن، پیوسته مراقب خویش‌اند و از این بیم دارند که لغزش‌هایی از آن‌ها سرزند، یا اعمالی انجام دهند که نام آن‌ها را از طومار «مخلصان» و «سُعدا» حذف کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳/ ٥٤٤).

برای درک این بخش می‌توان از معناسازی در قالب شبکهٔ دوساحتی کمک گرفت. در شبکه دوساحتی دو قالب سازماندهی، عناصری برای فضای آمیخته فراهم می‌کنند و دو فضای درون-داد معمولاً قالب‌های متفاوت یا حتی متضادی دارند. بنابراین، بین قالب‌های سازماندهی تصادم وجود دارد. به هر حال، چنین تصادم‌هایی به‌جای جلوگیری از ساخت شبکهٔ آمیختگی، می‌توانند تصور افراد را به چالش بکشند و بدین ترتیب آمیختگی‌ها بسیار خلاق می‌شوند.

این آمیختگی دوساحتی دو درون‌داد دارد: در یکی از درون‌دادها قالب لباس انسان است که در آن دو عنصر جامهٔ زیرین و پوشش رویین قرار دارند. درون‌داد دیگر شامل عناصری مانند اندوه و خوف می‌شود. در فضای آمیخته، انسانی را داریم که لباس خاصی از جنس خوف و اندوه به تن دارد. در این مثال، درون‌دادها به چند طریق تصادم پیدا می‌کنند. برای مثال در حالی - که در درون‌داد قالب لباس انسان، لباس مایهٔ آسایش و زیبایی انسان است، در درون‌داد دیگر، اندوه و خوف قرار دارند که مایهٔ ناراحتی و عدم آسایش هستند. با وجود این، در فضای آمیخته، به تن کردن لباس اندوه و خوف سبب کامیابی و سعادت می‌شود. این یک شاهکار تصوری است که درون‌دادهایی از قالب‌های متقابل را آمیخته می‌سازد. دلیل موفقیت این آمیختگی با وجود تصادم، این است که این آمیختگی، ساختار را به طریقی تلفیق می‌کند که به مقیاس انسانی دست می‌یابد. با وجود ساختار تقابلی آمیختگی (این ایده که به تن کردن اندوه و خوف سبب سعادت می شود) می‌تواند به فضای درون‌داد اول فرافکنده شود تا آن را تغییر دهد. در درون‌داد تقوا فرد می‌تواند با همراه کردن اندوه و خوف با خود به سعادت دست یابد. تنها با فرایند آمیختگی است که می‌توان این تصویر غیرمنطقی از لباس انسان را در ذهن متصور شد.

در فراز دیگری از همین بخش می‌فرماید: «وَ ارْتَوَی مِنْ عَذْبٍ فُرَاتٍ سُهِّلَتْ لَهُ مَوَارِدُهُ فَشَرِبَ نَهَلًا» (ز آب گوارایی که به‌آسانی (با امدادهای الهی) در اختیارش قرار گرفته، سیراب گشته و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

یکباره آن را سر کشیده است) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳/ ٥٤٥).

ابن میثم بحرانی (۱۳٦۲) معتقد است که در این فراز امام (ع) دانش و کمالات نفسانی‌ای را که به شخص عارف افاضه می‌شود، به آب زلالی تشبیه کرده، و لفظ «عذوبة» را برای آن استعاره آورده است و آن‌گاه همین، استعاره را با کلمهٔ «ارتواء» به‌صورت استعارهٔ ترشیحیه (استعاره‌ای است که فقط ملایمات مشبه‌به و لفظ متناسب با مستعارمنه ذکر شود) در آورده است. آشامیدنی اول نصیب شخص پرهیزگار می‌شود؛ یعنی انسان متقی قبل از همه و بیشتر از هم‌نوعان خود به کسب کمال نائل می‌شود. دلیل جلو افتادن از دیگران این است که تحصیل کمال برای او آسان است. در کلام امام (ع) عبارت «فشرب نهلا» به‌عنوان استعاره برای کسب کمال و مقدم شدن بر دیگران به‌کار رفته است و کمال یافتن سریع پرهیزگار به شتری که زودتر و قبل از دیگر شتران به آب می‌رسد تشبیه شده است.

ابزار نظری آمیختگی مفهومی چگونگی رسیدن مفسر به تفسیر فوق را به‌صورتی ملموس تبیین می‌کند. در اینجا دو قالب داریم که یکی قالب آب است که شامل عناصر آب، آسانی دسترسی، تشنه، تشنگی، نوشیدن و سیراب شدن و قالب دوم دانش و کمالات است که شامل دانش، پرهیزگار، کسب کمال و آسانی تحصیل کمال می‌شود . فضای عام شامل عامل، عمل، کیفیت عمل و نتیجه است که مبنایی را برای نگاشت بین‌فضایی بین دو فضای درون‌داد و فرافکنی انتخابی بعدی را از فضاهای درون‌داد به فضای آمیخته فراهم می‌کند. با فرافکنی عناصری از درون‌داد ۱ به فضای آمیخته تصویری ایجاد می‌شود که امام (ع) ارائه داده است؛ اما اینکه چگونه مفسر به تفسیر مورد نظر خود می‌رسد به این دلیل است که تشخیص می‌دهد که امام (ع) برای بیان مفاهیم از مقیاس قابل فهم بشری استفاده کرده است. قالب سازمان‌دهی در این فراز از فرافکنی یکی از درون‌دادها به داخل فضای آمیخته استفاده کرده است. پس شبکه، تک‌ساحتی است؛ زیرا ویژگی متمایز این نوع آمیختگی این است که قالب تشکیل‌دهندهٔ فضای آمیخته به‌نوعی گسترش قالب یکی از فضاهای درون‌داد است و نه دیگری. شبکهٔ تک‌ساحتی به‌نوعی همان نگاشت استعاری از مبدأ به مقصد است که قالب شکل‌دهندهٔ فضای آمیخته همان حوزهٔ مبدأ، و درون‌دادی که توجه می‌شود، حوزهٔ معنایی مقصد است (Fauconnier & Turner, 2002: 126).

در بخش دیگری از همین فراز آمده است: «وَ اسْتَمْسَکَ مِنَ الْعُرَی بِأَوْثَقِهَا وَ مِنَ الْحِبَالِ بِأَمْتَنِهَا» (از میان دستگیره‌های هدایت، به مطمئن‌ترین آن‌ها چنگ زده و از رشته‌ها(ی نجات) به محکم‌ترین

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

آن‌ها متمسک شده است) (مکارم شیرازی،۱۳۹۰: ۳/ ٥٤٧). ساختار این بخش نیز مشابه فراز قبل است؛ با یک شبکهٔ تک‌ساحتی سروکار داریم و مفسر از دستگیره و رشته، تفسیر خود را اراده می‌کند و این تفسیر نیز حاصل نگاشت بین فضاهای درون‌داد و فرافکنی به داخل فضای آمیخته است.

این فراز را در نظر بگیرید: «رِدُوهُمْ وُرُودَ الْهِيمِ الْعِطَاش» (و همچون تشنگان برای سیراب شدن به سرچشمه‌های (زلالِ علومِ) آنان روی آورید{ترجمه و شرح مکارم شیرازی}). این فراز استعاری مربوط می‌شود به یک غریزهٔ طبیعی خاص با دو رویداد فرعی. در اینجا از نظر عِلّی حداقل دو رویداد مرتبط وجود دارد: شتر تشنه و نهر آب. شتر تشنه معمولاً به محض دیدن نهر آب به آن هجوم می‌برد. هر قدر تشنگی بیشتر باشد، هجوم به آب شدیدتر است. معنی تحت‌اللفظی فراز فوق این است : «مانند شتر تشنه به آن‌ها (خاندان پیامبر) هجوم ببرید{ترجمه و شرح رحیمی‌نیا، ۱۳۷۰}». بنابراین، هر دو فضای درون‌داد، یک قالب سازمان‌دهی دارند: دو پدیده، قوانین علّی و نتیجه. فضاها در بیشتر محتوا مشترک هستند و عناصر دو درون‌داد را می‌توان به‌آسانی در تناظر قرار داد. در فضای آمیخته برخی عناصر از درون‌داد ۱ با عناصری از درون‌داد ۲ آمیخته می‌شوند؛ یعنی عناصر شتر تشنه و نهر آب از فضای ذهنیِ هجوم به نهر آب و دو عنصر از فضای ذهنیِ اشتیاق انسان به آموختن. بنابراین، اولین مرحلهٔ آمیختگی مفهومی، یعنی «ترکیب» انجام می‌شود. از دانش پایه‌ای می‌توان دریافت که مطابق قوانین غریزی شدت تشنگی معمولاً هجومِ شدید به نهر آب را به‌دنبال دارد. اینجا نتیجهٔ حاصل با شرایط جدید نیاز روحی انسان ترکیب می‌شود. مرحلهٔ دوم آمیختگی مفهومی، یعنی «تکمیل‌سازی» انجام می‌شود. سپس دانش زمینه‌ای در فضای آمیخته با عناصر جدیدی ترکیب می‌شود و ساختار نوظهوری شکل می‌گیرد که در پی رابطهٔ علت و معلولی، نتیجه حاصل می‌شود. این مرحله آخرین مرحله، یعنی «گسترش» آمیختگی مفهومی است. در فراز فوق، به مردم تشنه حقیقت و آگاهی توصیه می‌شود که مانند شتری که تشنهٔ آب است به سرچشمهٔ فیض یا دریای علم خاندان پیامبر هجوم ببرند و سیراب شوند. فراز فوق نمونهٔ خوبی از شبکهٔ آینه‌ای است. این شبکه، شبکهٔ آمیختگی است که در آن تمام فضاها ـ درون‌دادها، عام و آمیخته - در یک قالب سازماندهی مشترک هستند. یک شبکهٔ آینه‌ای می‌تواند بسیاری از فضاهای مختلف را در یک قالب سازماندهی مشترک آمیخته کند (Fauconnier & Turner, 2002: 122).

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

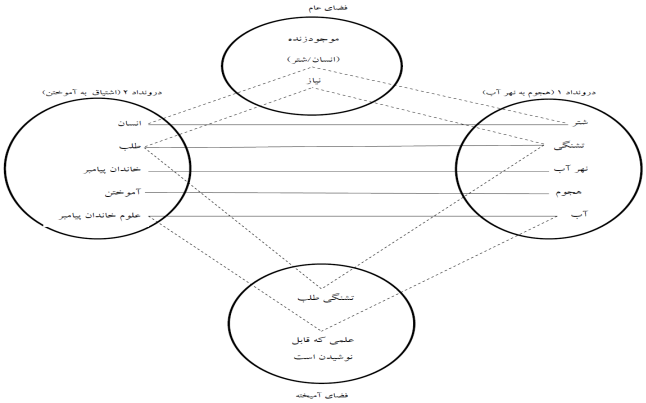

نمودار ۳ : شبکهٔ آمیختگی آینه‌ای مربوط به فراز *رِدُوهُمْ وُرُودَ الْهِیمِ الْعِطَاش*

Figure3: mirror conceptual network related to the case رِدُوهُمْ وُرُودَ الْهِیمِ الْعِطَاش

نمونهٔ دیگر در این خطبه، بخش آخر آن است : «حَتَّی یَظُنَّ الظَّانُّ أَنَّ الدُّنْیَا مَعْقُولَةٌ عَلَی بَنِی أُمَیَّةَ تَمْنَحُهُمْ دَرَّهَا وَ تُورِدُهُمْ صَفْوَهَا وَ لَا یُرْفَعُ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَوْطُهَا وَ لَا سَیْفُهَا وَ کَذَبَ الظَّانُّ لِذَلِکَ بَلْ هِیَ مَجَّةٌ مِنْ لَذِیذِ الْعَیْشِ یَتَطَعَّمُونَهَا بُرْهَةً ثُمَّ یَلْفِظُونَهَا جُمْلَةً» (ترجمه: گمان نبرید حکومت بنی‌امیه برای همیشه به کام آن‌هاست؛ چنین نیست! چند صباحی می گذرد و حکومت آن‌ها برای همیشه سقوط می‌کند).

تعبیر «مَعْقُولَةٌ عَلَی بَنِی أُمَیَّةَ» که ترجمهٔ تحت‌اللفظی آن این است که: «شتر دنیا را عِقال و پای‌بند زده‌اند و به‌دست بنی‌امیه سپرده‌اند»، کنایهٔ لطیفی است از تسلیم چیزی در برابر کسی و جملهٔ «تَمْنَحُهُمْ دَرَّهَا» که معنای تحت‌اللفظی آن چنین است: «شتر دنیا، شیر خود را تمام به بنی‌امیّه می‌بخشد» مکمل جملهٔ سابق است. معمول عرب این بوده است که بسیاری از مسائل زندگی خود را به شتر تشبیه می‌کرده‌اند که نقش بسیار مهمی در زندگی آن‌ها داشته و این‌گونه تشبیهات برای آن‌ها گویا و دلنشین بوده است.

قسمت آخر این فراز مربوط می‌شود به یک فرایند طبیعی خاص با دو رویداد فرعی: عسل و شیرینی. عسل همیشه مزهٔ شیرین و گوارایی دارد. معنی تحت‌اللفظی این بخش این است «پندارنده‌ای می‌پندارد که ... دنیا انگشتی عسل است که بر دهان [بنی‌امیه] نهاده، اندکی کامشان را

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

شیرین سازد و سپس همه‌اش را تُف می‌کنند». بنابراین، هر دو فضای درون‌داد، یک قالب سازمان‌دهی دارند: دو چیز، ترتیب اولویت، فرایند طبیعی و نتیجهٔ غیرمنتظره. تمام فضاها در یک قالب رویداد غنی مشترک هستند که شامل دو مفهوم، توالی، فرایند طبیعی و نتیجهٔ غیرمنتظره است که در فضای عام نشان داده می‌شود. از آنجا که دو فضای درون‌داد یک قالب سازماندهی دارند، یک نتیجهٔ غیرمنتظره وجود دارد. در فضای آمیخته برخی عناصر از درون‌داد ۱ با عناصری از درون‌داد ۲ آمیخته می‌شوند؛ یعنی عناصر عسل و طعم شیرین از فضای ذهنی عسل و مسئلهٔ حکومت ظالمانه و سقوط. بنابراین، اولین مرحلهٔ آمیختگی مفهومی، یعنی «ترکیب» تمام می‌شود. از دانش پایه‌ای می‌توان دریافت که مطابق فرایند طبیعت، عسل همیشه طعمی شیرین به‌دنبال دارد که هرگز تلخ نمی‌شود. اینجا نتیجه غیرمنتظره است و با شرایط حکومت ترکیب می‌شود. در اینجا «تکمیل‌سازی» انجام می‌شود. سپس دانش زمینه‌ای در فضای آمیخته با عناصر جدیدی ممزوج می‌شود و ساختار نوظهوری پدید می‌آید که در پی دلالت معمول دو چیز در رابطهٔ علت و معلولی نتیجهٔ غیرمنتظره حاصل می‌شود. این مرحله «گسترش» را شامل می شود. این عبارت نمونه‌ای دیگر از شبکهٔ آینه‌ای است.

تحلیل فراز زیر ممکن است ویژگی‌های شبکهٔ تک‌ساحتی را نشان دهد.

قَدْ أَمْكَنَ الْكِتَابَ مِنْ زِمَامِهِ فَهُوَ قَائِدُهُ وَ إِمَامُهُ يَحُلُّ حَيْثُ حَلَّ ثَقَلُهُ وَ يَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنْزِلُهُ. به معنی «عنان اختیار خود به کتاب خدا سپرده، پس کتاب خدا به‌منزلهٔ رهبر قافلهٔ اوست که هر جا بار افکند، او نیز بار افکند و هر جا منزل کند، او نیز منزل کند».

«امْكَنَ الْكِتَابَ مِنْ زِمَامِهِ» (زمام خویش را به قرآن سپرد) اشاره به انقیاد کامل نسبت به ***قرآن*** است. «ثَقَلُهُ»: بارش را، «ثقل المسافر»: زاد و توشهٔ مسافر، «ثقل الکتاب»: محتوای کتاب، اوامر و نواهی آن است (رحیمی‌نیا، ۱۳۷۰).

در این فراز، ***قرآن*** مانند ساربان تصور شده است. چگونه این دو پدیدهٔ مجزا به‌هم مرتبط شده‌اند و این فراز چگونه به‌کمک نظریهٔ آمیختگی مفهومی تجزیه و تحلیل می‌شود و مجموعه‌ای از فرایندهای شناختی به‌وسیلهٔ آن در شبکهٔ تک‌ساحتی آشکار می‌شوند.

چهار فضای ذهنی وجود دارد: دو فضای درون‌داد، یک فضای عام و یک فضای آمیخته. قالب سازمان‌دهی در درون‌داد ۱، قالب ساربان است که در آن عناصری مثل ساربان، بیابان، زمام، ستوران، راه و مسیر، کاروان‌سرا، مهارت راهبری، بار و توشهٔ راه گنجانده شده‌اند. درون‌داد ۲

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

شامل قالب *قرآن* می شود که در آن عناصری مانند *قرآن*، تقدس، صنایع بدیع ادبی، گمراهی، آیه-ها و سوره‌ها، انسان‌ها، راه راست، هدایتگری، و اعمال نیک و بد گنجانده می‌شوند. فضای عام شامل عامل، ماده، مهارت، عمل و نتیجه است که مبنایی را برای نگاشت بین‌فضایی بین دو فضای درون‌داد و فرافکنی انتخابی بعدی را از فضاهای درون‌داد به فضای آمیخته فراهم می‌کند؛ یعنی عنصر ساربان با *قرآن* تناظر دارد، بیابان با گمراهی، مهارت راهبری با هدایتگری، زمام با آیه‌ها و سوره‌ها و بار و توشهٔ راه با اعمال نیک و بد؛ اما برخی عناصر مثل کاروان‌سرا در درون‌داد ۱ و تقدس و صنایع بدیع ادبی در درون‌داد ۲ موارد متناظری ندارند و از فرافکنی بعدی کنار گذاشته می‌شوند. بنابراین، روابط جدید ایجاد می‌شوند. مرحلهٔ اول آمیختگی مفهومی، یعنی ترکیب کامل می‌شود. دو عنصر «ساربان» و *قرآن* دانش زمینه‌ای را فراهم می‌کنند و هم‌نشینی‌هایی بین این دو تصویر ایجاد می‌کنند که نقش مهمی در مرحلهٔ دوم آمیختگی مفهومی (تکمیل‌سازی) ایفا می‌کنند. در اینجا *قرآن* در قالب ساربان تصویرسازی شده است که افسار ستوران را در دست می‌گیرد و راهبری می‌کند. روابط جدید مرحلهٔ اول و دانش پایه‌ای از مرحلهٔ دوم به داخل فضای آمیخته فرافکنی می‌شوند تا مرحلهٔ دوم، یعنی تکمیل‌سازی را به پایان برسانند. مرحلهٔ گسترش در فضای آمیخته‌ای است که در آن *قرآن* با ساربان برابر فرض شده است. در این فراز با *قرآن* در قالب تصویری ساربانی مواجهیم که زمام هدایتگری بندهٔ محبوب خداوند را در دست دارد و از میان بیابان‌های گمراهی به راه درست راهنمایی‌اش می‌کند.

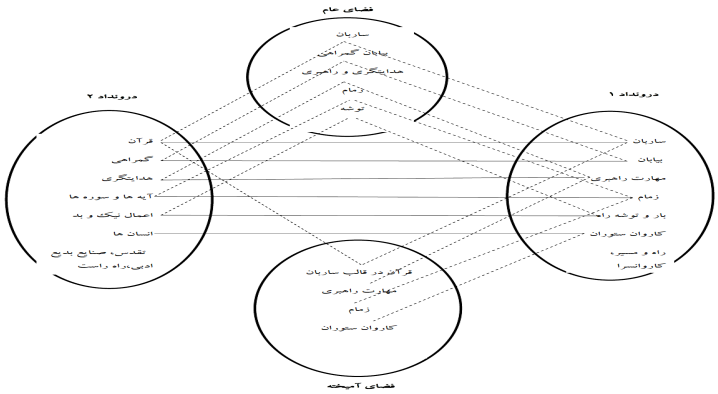

نمودار ۴: شبکهٔ آمیختگی تک‌ساحتی مربوط به فراز *قَدْ أَمْكَنَ الْكِتَابَ ...*

Figure4: single scope conceptual network related to the case... قَدْ أَمْكَنَ الْكِتَابَ

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

۵. نتیجه

در مقدمهٔ مقاله ذکر شد که پژوهش حاضر درصدد ارائهٔ تصویری عینی، نموداری و مبتنی بر نظریه از مراحل شکل‌گیری معنا در متن یکی از خطبه‌های شاخص ***نهج‌البلاغه***، کتاب دوم شیعیان، است. در این راستا دو پرسش مطرح شد: ۱) کدام یک از انواع آمیختگی ساخت معنا در این خطبه دیده می‌شود؟ ۲) شبکهٔ آمیختگی‌های مفهومی فرازهای این خطبه از ***نهج‌البلاغه*** حاصل طی شدن چه مراحلی از مراحل شکل‌گیری معناست؟

در متن مقاله با ارائهٔ مثال‌هایی نشان داده شد که در فرازهای مختلف این خطبه انواع آمیختگی وجود دارد. مواردی از شبکهٔ آینه‌ای، تک‌ساحتی و دوساحتی در این مقاله ارائه شده‌اند که نشان می‌دهند، امام علی (ع) با توسل به آشناترین و روزمره‌ترین مفاهیم مورد استفادهٔ گویشوران زبان عربی از قبیل «وَ اسْتَمْسَکَ مِنَ الْعُرَی بِأَوْثَقِهَا» و «قَدْ أَمْکَنَ الْکِتَابَ مِنْ زِمَامِهِ» و «مَعْقُولَةٌ عَلَی بَنِی أُمَیَّ» و موارد بسیار دیگری، سعی در بیان استعاری و ظریف مفاهیم مورد نظرشان داشته‌اند. البته این بیان گاه به فراخور محتوا و منظور، پیچیده‌تر ارائه می‌شود، هر چند که شبکه‌های پیچیدهٔ مفهومی در این خطبه کمتر استفاده شده‌اند.

در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت که چهار مدل فضایی، نگاشت بین‌فضایی، گزینش ناقص و ساختار نوظهور در همهٔ شبکه‌های آمیختگی مفهومی وجود دارند، هر چند که در شبکه-های مختلف دارای ویژگی‌های مختلفی هستند.

به‌نظر می‌رسد از طریق تصور قالب‌های ذهنی و تناظر بین قالب‌ها راحت‌تر بتوان به معنای مورد نظر امام علی (ع) از بیان فرازهایش رسید.

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد نظریه‌های معناشناسی شناختی به‌ویژه نظریهٔ آمیختگی مفهومی، در تلاش بوده‌اند که ابزاری ملموس و عینی، برای تبیین پیچیدگی‌های ذهنی شکل‌گیری لایه‌های معنایی در اختیار ما قرار دهند. لذا، هدف مقالهٔ حاضر صرفاً ترسیم مواردی از انواع شبکه‌های آمیختگی مفهومی موجود در متن خطبهٔ ۸۷ ***نهج‌البلاغه***، به‌عنوان نمونه‌ای از این متن بزرگ بود و از این طریق در صدد تبیین آمیختگی مفهومی در ساختار جملاتی از فرازهای این متن زبانی ـ ادبی غنی بود تا از این منظر به بررسی عینی‌تر چگونگی شکل‌گیری معنا بپردازد. به-نظر می‌رسد کاربست این نظریه در گفتار امام علی (ع) ـ که مملو از مفاهیم مهم دینی و عرفانی است و روشنگر راه زندگی هر مسلمانی می‌تواند باشد ـ برای رسیدن به درکی روشن‌تر از لایه-

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

های پنهان معناییِ گفتار ایشان، مؤثر واقع خواهد شد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. conceptual metaphor
2. mapping
3. conceptual blending
4. emergent meaning
5. Fauconnier & Turner
6. double scope blending
7. input
8. Pereira & Cardoso
9. Van Heerden
10. *Metaphors We Live By*
11. Lakoff
12. Johnson
13. embodied
14. asymmetric
15. partial
16. conceptual domains
17. temporary mental spaces
18. schematic
19. input space1
20. input space2
21. generic space
22. blended space
23. compression
24. cause- effect
25. analogy
26. disanalogy
27. composition
28. completion
29. elaboration
30. simplex network
31. mirror network
32. single scope network
33. double scope network

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

۷. منابع

- ادیبی‌مهر، محمد (۱۳۸٦). ***تحلیل ارکان استعاره‌های پیچیدهٔ نهج‌البلاغه***. تهران: دانشگاه تهران.
- اردبیلی، لیلا و همکاران (۱۳۹٤). «پیوستگی معنایی متن از منظر نظریهٔ آمیختگی مفهومی». ***جستارهای زبانی***. د ٦. ش ٥ (پیاپی ٢٦) . صص ٢٧ – ٤٧.
- ایمانیان، حسین و زهره نادری (۱۳۹۲). «استعاره‌های جهتی ***نهج‌البلاغه*** از بعد شناختی». ***پژوهش‌نامهٔ نهج‌البلاغه***. د ۱. ش ٤. صص ۷۳ – ۹۲.
- برکت، بهزاد و لیلا اردبیلی (۱۳۹۱). «نقد و بررسی نظریهٔ تلفیق مفهومی در تبیین فرایند ساخت معنا در ذهن». ***ذهن***. ش ٤۹. صص ٥۳ – ۷۱.
- برکت، بهزاد و همکاران (۱۳۹۱). «روایت‌شناسی شناختی "کاربست نظریهٔ آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانهٔ ایرانی"». ***ادب پژوهی***. د ٦. ش ۲۱. صص ۹ – ۳۲.
- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۲). ***مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی***. تهران: علم.
- شیخ‌احمدی، سروه (۱۳۸۸). ***ساختار استعاری حکمت‌های نهج‌البلاغه***، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.
- صادقی، لیلا (۱۳۹۲). «ادغام نوشتار و تصویر در متون ادبی بر اساس نظریهٔ ادغام مفهومی». ***جستارهای زبانی***. د ٤. ش ۳ (پیاپی۱٥). صص ۷٥ – ۱۰۳.
- صالح، صبحی (۱۳۷۰). ***فرهنگ نهج‌البلاغه***. ترجمهٔ مصطفی رحیمی‌نیا. تهران: اسلامی.
- قائمی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی تصویر استعاری دنیا در خطبه‌های ***نهج-البلاغه***». ***تحقیقات علوم قرآن و حدیث***. س ۸. ش ۱٥. صص ۱۰۹ – ۱٤۰.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). ***معناشناسی شناختی قرآن***. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). ***پیام امام امیرالمومنین (ع)***. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نورمحمدی، مهتاب و همکاران (۱۳۹۱). «تحلیل مفهومی استعاره‌های ***نهج‌البلاغه*** (رویکرد زبان‌شناختی)». ***انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی***. ش ۲۲. صص ۱٥٥ – ۱۹۲.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

References

- Adibi Mehr, M. (2007). *Analysis of the Complex Metaphors of Nahj al-Balaghah.*Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Ardebili, L. & B. Barekat (2013).“A Review of the conceptual integration theory in explaining the process of meaning making in the mind”. *Mind*. No. 49, Pp:53-71. [In Persian]
- Ardebili, L. & B. Rowshan (2013*). Introduction to Cognitive Semantics.* Tehran: Elm. [In Persian]
- Ardebili, L.; B. Barekat; B. Rowshan & Z. Mohammad Ebrahimi (2015). “Semantic connectivity of the text from the perspective of conceptual integration theory”. *Language Related Research*. Vol.6, No.5 (Tome 26). Pp:27-47 .[In Persian]
- Barekat, B.; B. Rowshan; Z. Mohammad Ebrahimi & L. Ardebili (2012). “Cognitive narrative science (Applying conceptual integration theory to iranian folk tales)”. *Journal of Literary Studies*. Vol.6, No.21. Pp.9-32. [In Persian]
- Delibegović, N. (2007). “Conceptual integration theory -the key for unlocking the internal cognitive choreography of idiom modification”. *Jezikoslovlje* 8.2.Pp: 169-191.
- Evans, V. & M. Green (eds.)(2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.
- Fauconnier, G. & M. Turner, (1998), “Conceptual integration networks”. *Cognitive Science*.
- ---------- (2002). *The Way We Think.Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities*.N. Y.: Basic Books.
- Fauconnier, G. (1997). *Mappings in Thought and Language*, Cambridge University Press.
- ---------- (2003). “Conceptual integration.” *Journal of Foreign Languages*, no. 2.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

- ---------- (1994). *Mental Spaces*. New York: Cambridge University Press. [Originally Published(1995). Cambridge:MIT Press.
- ---------- (1998). *Principles of conceptual integration*. In J.P.Koenig (Ed.). Discourse and cognition. Stanford, CA: CSLI Publications. Pp:283-296.
- Gaemi Nia, A. (2011). *Cognitive semantics of Quran*. Qom: Research Center for Islamic Culture and Thought .[In Persian]
- Gaemi, M.; M. Masbough & H. Bayat (2011) "The metaphorical view of the world in Nahj al-Balaghah sermons". *Journal of Quranic and Hadith Sciences Research*. year 8, No.15. Pp:109-140. [In Persian]
- Glebkin, V. (2013). " A Critical View on Conceptual Blending Theory". In M. Knauff, M. Pauen, N. Sebanz, & I. Wachsmuth (Eds.), *Proceedings of the 35th Annual Conference of the Cognitive Science Society* (Pp: 2404-2409). Austin, TX: Cognitive Science Society.
- Grady, J.; T. Oakley & S.Coulson (1999). *Blending and metaphor*. In: Steen George, Gibbs Raymond, editors. Metaphor in cognitive linguistics. Philadelphia: John Benjamins. Pp: 234–46.
- Imanian, H. & Z. Naderi (2016) "Nahj al-Balaghah directional metaphors from the cognitive dimension". *Journal of Nahj al-Balagh Research*. Vol.1, No.4. Pp:73-92. [In Persian]
- Joy,A., J.Sherry & J.Deschenes (2009). "Conceptual blending in advertising". *Journal of Business Research*. No.62. Pp:39-40.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- ---------- (1993). The Contemporary Theory of Metaphor , in *Metaphor and Thought*, edited by Andrew Ortony, Cambridge: Cambridge University Press.
- Makarem Shirazi, N. (2000). *Message from Amir al-Momenin* (AS). Tehran: Islamic Library. [In Persian]

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]

- Noor Mohammadi, M.; F. Aghagol Zade & A. Golfam (2012). "Conceptual analysis of Nahj al-Balaghah's metaphors (Linguistic approach)". *Journal of Iranian Association of Arabic Language and Literature*. No.22. Pp:155-192. [In Persian]
- Pan, X. (2012). *Metaphor in advertisement: An integrated approach based on conceptual blending theory and relevance theory*. MA Dissertation. East China Normal University.
- Pereira, F. C. & A. Cardoso (2002). "Conceptual Blending and the Quest for the Holy Creative", Proceedings of the 2nd Workshop on Creative Systems: *Approaches to Creativity in AI and Cognitive Science*, ECAI 2002, Lyon, France.
- Sadeghi, L. (2013). "Integration of text and image in literary texts based on conceptual integration theory". *Language Related Research*. Vol.4, No.3 (Tome 15). Pp:75-103. [In Persian]
- Sheikh Ahmadi, S. (2009). *The metaphorical structure of the Sayings of Nahj al-Balaghah*. Master's thesis, Tehran: Payame Noor University. [In Persian]
- Sobhi, S. (1991). *Nahj al-Balaghah Encyclopedia*. Translated by Rahimi Nia, M. Tehran: Eslami. [In Persian]
- Turner, M. (2007). *Conceptual Integration*. In D. Geeraerts & H. Cuyck (Ed.). The Oxford hand book of Cognitive Linguistics. Oxford University Press (2007). Pp:377-393.
- Van Heerden, C. (2008). *Intertextuality Reinterpreted: A cognitive Linguistics Approach with Specific Reference to Conceptual Blending*, M.A thesis in Linguistics, the University of South Africa.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.6.11.6]